دروازه های جهان

حکایت پنگوئن ۷۵ساله‌ای با هزاران جلد کتاب

با شنیدن داستان‌هایی که از سر آلن لین نقل شده، تصویر مردی در ذهن شکل می‌گیرد که ایده‌هایی جذاب، آتشین و- برای زمانه خودش- عجیب داشت؛ مردی که ۷۵ سال پیش انتشارات پنگوئن را پایه گذاشت. از طرح‌های خلاقانه سر آلین لین یکی هم این بود که در سکوهای راه‌آهن، دستگاه‌هایی نصب کند که پول بیندازی و کتاب‌های انتشارات پنگوئن را همان جا تحویل بگیری. درباره اینکه چنین دستگاهی ساخته و نصب شد یا نه، روایت‌های مختلفی شنیده شده است. اما برخی می‌گویند دست‌کم یک دستگاه در ایستگاه چرینگ‌کراس لندن نصب شد. جان مکینسون رئیس فعلی انتشارات پنگوئن، سر آلن لین را این گونه وصف می‌کند: «مردی که عادت کتابخوانی یک ملت را تغییر داد.»

آقای مکینسون در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی می‌گوید: «وقتی آلن لین در سال ۱۹۳۳ انتشارات پنگوئن را پایه‌گذاری کرد، فکری بسیار ساده و در عین حال بسیار اساسی داشت: ادبیات را با قیمتی مناسب در دسترس همه قرار بدهد؛ کتاب‌هایی که نه‌تنها مناسب جیب آدم‌ها باشند، بلکه جلد و ظاهرشان نیز جذاب باشد و هم از نظر ادبی هم بصری آدم‌ها را ارضا کنند.»

شش پنی؛ این قیمت کتاب‌های پنگوئن در سال ۱۹۳۵ بود. آن زمان یک پاکت سیگار را می‌شد به این قیمت خرید. جان مکینسون می‌گوید: «اولین کتاب‌های جلد شومیز را انتشارات پنگوئن منتشر نکرد ولی واقعاً خلاق بودیم؛ شکل و طرح کتاب‌های پنگوئن نگاه‌ها را به خود می‌کشید.»

سبک، نشان و طرح جلدهای انتشارات پنگوئن در این سال‌ها چنان محبوبیت یافته است که حالا آن را روی اقلام مختلفی از جمله صندلی‌های راحتی و لیوان‌های دسته‌دار هم می‌توان دید. از تابستان سال ۱۹۳۵ که نخستین کتاب‌های جلد مقوایی پنگوئن درآمد، تا سال ۱۹۳۷ سه میلیون نسخه از این کتاب‌ها به فروش رفت. برای طراحی نشان انتشارات، فکرها را روی هم ریختند تا به این رسیدند: موجودی باوقار و در عین حال سرخوش؛ پنگوئن. پنگوئن پیشنهاد منشی آقای لین بود. آقای لین، ادوارد یانگ ۲۱ساله را که در دفترش کار می‌کرد به خانه پنگوئن‌ها در باغ وحش لندن فرستاد تا با چند طرح و ایده برگردد. حالا چنین طرحی مایه غبطه و آرزوی هر بنگاه تبلیغاتی و بازرگانی است. آقای مکینسون می‌گوید: «اگر چیزی مثل نشان انتشارات پنگوئن داشته باشید، تجارت و کار و بارتان فوق‌العاده پیش می‌رود. همیشه در همه معاملات، وضعیت برنده برنده پیش می‌آید.»

«باید خیلی مراقب این نشان باشیم، نباید جاهایی مصالحه کنیم و کوتاه بیاییم. این نشان جزء معدود نشان‌های بریتانیایی است که مردم در همه جا واقعاً آن را می‌شناسند.»

همچنان که پنگوئن باله‌های خود را بر کشورهای دیگر دنیا هم می‌گسترد، این نماد سیاه و سفید، هنوز برق و جاذبه خود را از دست نداده است. آقای مکینسون می‌گوید «پنگوئن یک نام جادویی است. هر جای دنیا که می‌رویم، نام انتشارات پنگوئن جذابیت دارد. ما در آستانه راه‌اندازی بخش آثار کلاسیک پنگوئن در برزیل هستیم، در حالی که تاکنون سابقه‌ای در این کشور نداشته‌ایم. راه‌اندازی شعبه‌ای از پنگوئن در برزیل اتفاق رسانه‌ای مهمی است.»

و اتفاق‌های رسانه‌ای - البته از نوع جنجالی‌اش- برای پنگوئن و مدیران آن چیز تازه‌ای نیست. در دهه ۱۹۶۰ پنگوئن بارها در صدر تیترهای خبری نشست.نام پنگوئن هنوز هم گاهی در تیتر اخبار جای می‌گیرد، چون در فهرست آثارش نام کتاب‌هایی جنجالی ویراستارانش تصمیم‌هایی می‌گیرند نظیر چاپ کتاب انکار هولوکاست که نویسنده‌اش دبورا لیپستاد در آن دیوید ایروینگ را به انکار هولوکاست متهم می‌کند. پس از چاپ کتاب انکار هولوکاست در سال ۲۰۰۰، آقای ایروینگ به دادگاه شکایت کرد و انتشارات پنگوئن و نویسنده این کتاب را متهم به افترا کرد. گزارش روند دادرسی به طور گسترده در اخبار و رسانه‌ها منتشر می‌شد. این تاریخ‌نگار سرانجام موفق نشد ادعای خود را ثابت کند و ورشکسته هم شد چراکه مخارج دادگاهش سر به دو میلیون پوند زده بود.انتشارات پنگوئن را مردم دنیا تا ابد با جلد نارنجی و نشان پنگوئن خواهند شناخت، اما آیا کتاب‌های این پرنده به آینده هم خواهد رفت؟

پنگوئن هنوز از خلاقیت دست نکشیده و در عین حال، می‌کوشد خود را با فناوری هم سازگار کند. آقای مکینسون البته مقایسه میان دنیای نشر و صنعت موسیقی را - که فروش سی‌دی در آن روز به روز کم و کمتر می‌شود - مقایسه چندان درستی نمی‌داند. او می‌گوید: «این دو مقوله به دلایل فراوان و مهمی از هم متفاوتند: برخلاف تک‌آهنگ‌ها مردم دل‌شان نمی‌خواهد کتاب‌ها را فصل به فصل بخوانند، بنابراین ما قاعدتاً دچار سرنوشت آلبوم‌های موسیقی نخواهیم شد.»

گزارش ادبی هفته

آیا سیگار رمانتیک است

مرضیه رسولی

نگاه کردن به پشت جلد کتاب شده برایمان کابوس. می‌روی کتابفروشی کتابی که تعریفش را شنیده‌ای بخری می‌ترسی به پشت جلدش نگاه کنی؛ یک‌دفعه می‌بینی نوشته ۱۴ هزار تومان و برق از کله‌ات می‌پرد، چشمت سیاهی می‌رود و می‌افتی. با تو چند کتاب هم از پیشخوان جدا می‌شوند و می‌افتند پایین. آب قند و چک زدن به این‌ور صورت و آن‌ور صورت هم افاقه نمی‌کند. زنگ می‌زنند به اورژانس. چشم باز می‌کنی می‌بینی توی بیمارستانی و بیشتر از ۱۰۰ هزارتومان خرج دوا دکتر روی دستت مانده. هیچ چیز هم حساب و کتاب ندارد. یک ناشر کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای‌اش را ۳۸۰۰ تومان قیمت زده، یک ناشر دیگر ۵۰۰۰ تومان و یک ناشر دیگر ۷۸۰۰ تومان. مثلاً نمی‌توانی با توجه به حجم کتاب قیمت را حدس بزنی. با خودت فکر می‌کنی این کتابی که می‌خواهم حجمی کمتر از ۲۰۰ صفحه دارد پس قیمتش نباید از سه هزار تومان بیشتر باشد. می‌روی می‌بینی پشت جلد زده ۵ هزار تومان. بله باید برای فرهنگ خرج کرد. اما شما هی دستی را که مو ندارد بکن. در جواب اعتراضت می‌گویند شما ساندویچ می‌خری ۵ هزار تومان ککت هم نمی‌گزد، برای کتاب ۳ هزار تومانی آه از نهادت درمی‌آید؟ در جواب باید گفت ساندویچ؟ ساندویچ دیگر چه کوفتی است؟

اصلاً بیایید هزینه‌های تولید یک کتاب را یکی یکی بررسی کنیم تا کلاهمان را بیندازیم بالا و متوجه شویم هیچ جایی بهتر از زندگی در ایران زمین نیست. اولین هزینه خرید کاغذ است که با حذف یارانه کاغذ قیمت آن خیلی بالا رفته. خیلی هم به این تصمیم اعتراض شد ولی فایده‌ای نداشت. الان حدود دو سال است که دولت یارانه کاغذ را حذف کرده. یارانه‌ای که تا پیش از این به ناشران پرداخت می‌شد تا دو سال پیش ۱۴۰ میلیارد تومان بود که حالا در اختیار ارشاد است تا به تشخیص خود در فرآیند تولید و عرضه کتاب خرج کند.

ارشاد گفته بود تصمیم دارد فرمان حمایت‌ها را از تولیدکنندگان به سمت مصرف‌کنندگان بچرخاند و از این چرخش، چیزی که برای مصرف‌کننده مانده قیمت بالای کتاب است.

هزینه حق‌التالیف یا حق‌الترجمه، طراحی جلد، صفحه‌بندی، حروفچینی، ویرایش و نمونه‌خوانی، چاپ، صحافی، حمل و نقل و توزیع هزینه‌های دیگر تولید یک کتاب است.

هومان حسن‌پور رئیس هیات‌مدیره تعاونی توزیع کتاب به خبر آنلاین گفته هزینه پخش و توزیع یک کتاب تاثیر چندانی در قیمت کتاب ندارد: «سال‌هاست هزینه توزیع کتاب ثابت است. در حقیقت رقمی که ناشر برای این کار در نظر می‌گیرد ۱۰ تا ۱۲ درصد است و به ندرت ممکن است به ۱۵ درصد هم برسد. سایر هزینه‌ها نیز مشخص هستند. اما توزیع‌کننده هر سال با فشار بیشتری روبه‌روست. رکود در بازار کتاب باعث می‌شود کتابفروش درصد بیشتری بخواهد. به جز این مورد، در گذشته اگر کتابفروش هر ماه با توزیع‌کننده تسویه می‌کرد حالا این زمان به شش ماه هم می‌رسد. در نتیجه توزیع‌کننده باید فشار ناشی از رکود بازار کتاب را تحمل کند و البته بخشی از این فشار را به ناشر منتقل می‌کند.»

او می‌گوید قیمت کتاب زیاد نیست چون: «با توجه به اینکه در کشورهای اروپایی گاه قیمت کتاب به ۱۱ برابر هزینه تولید آن نیز می‌رسد، قیمت کتاب در کشور ما که دو و نیم یا سه برابر هزینه تولید آن است، خیلی بالا نیست. ضمن اینکه اگر اینجا ناشران ما چهار ماه برای تولید یک کتاب سرمایه‌گذاری کنند در بهترین حالت ۱۲ تا ۱۸ ماه بعد هزینه‌اش برمی‌گردد اما این پروسه برای یک ناشر دو یا سه ماهه و به صورت نقدی است. من فکر می‌کنم یکی از مشکلات جدی بازار کتاب همین کند بودن چرخه تولید و عرضه آن است.» اما خوب بود فیش حقوقی ما را با فیش حقوقی یک اروپایی مقایسه می‌کردند. این‌جوری عادلانه‌تر بود.

حسن‌پور درباره علت تفاوت فاحش بین قیمت دو کتاب مشابهی که توسط دو ناشر مختلف عرضه می‌شود، می‌گوید: «کتاب محصولی نیست که بتوان قیمت دو نمونه مشابه را مقایسه کرد چرا که هزینه‌های غیرملموس زیادی وجود دارد که ممکن است قیمت یک کتاب را بالا ببرد و جز کارشناسان و اهالی فن متوجه آن نشوند. ناشران همیشه به امید چاپ‌های دوم و سوم کار می‌کنند چون در بهترین حالت هم در چاپ اول به سود نمی‌رسند البته اگر ضرر نکنند. هر کتابی پروسه چندماهه‌ای را برای تولید پشت سر می‌گذارد که در تمام این چندماه ناشر در حال هزینه کردن است. بعد تصور کنید این کتاب مدتی هم در وزارت ارشاد بماند تا مجوز بگیرد. به جز خواب سرمایه این به مدتی نامعلوم احتمال وجود دارد که مجوز کتاب صادر نشود که در این صورت ناشر حتی نمی‌تواند هزینه‌های آن را روی کتاب‌های دیگر جبران کند چرا که هر کتابی به زحمت هزینه‌های خودش را پاسخ می‌دهد.»

محمدتقی حق‌بین از فعالان عرضه نشر هم درباره شیوه قیمت‌گذاری کتاب می‌گوید: «قیمت‌گذاری کتاب قانون مشخصی ندارد اما تا سال ۱۳۷۵ این کار در چارچوب روشنی انجام می‌شد. اما با تغییر سیاست‌ها در برنامه چهارم توسعه، دولت به آزادسازی برخی محصولات از جمله کاغذ روی آورد و تهیه این محصول را به خود ناشران سپرد. همین مساله تاثیر قابل توجهی در قیمت تمام شده کتاب داشت چرا که همواره به این ترتیب بود که مصالح مصرفی کتاب یک‌سوم و بقیه موارد دوسوم قیمت کتاب را شامل می‌شوند. بازار کاغذ تا یک سال پیش ثبات داشت و افزایش قیمت کتاب‌ها ناشی از آزادسازی کاغذ بود. آن زمان کاغذ بندی ۲۰ تا ۲۲ هزار تومان بود. اما حدوداً یک سال پیش یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید مواد اولیه کاغذ جهان در شیلی دچار آتش‌سوزی شد و همین به گرانی قابل توجه کاغذ انجامید. البته در انبارهای کشورمان میزان قابل توجهی از کاغذهای خرید قبلی موجود بود و همان کاغذها تا امروز به قیمت بندری ۳۲ تا ۳۳ هزار تومان به فروش رسیده است. اما موجودی انبارها در حال اتمام است و اگر پارتی‌های جدید کاغذ وارد شوند قطعاً قیمت‌ها باز هم بیشتر خواهند شد.»

فروشندگان کتاب بابت سرقفلی فروشگاه، تقاضای تخفیف از ناشر دارند. این روندی است که در همه دنیا متداول است. اما این تقاضا به خاطر مشکلات بازار کتاب و رکود در کشورمان در سال‌های اخیر بالا رفته و در نتیجه ناشر زمان قیمت‌گذاری همه این موارد را در نظر می‌گیرد و طوری قیمت کتاب را تعیین می‌کند که بتواند هم به فروشگاه‌ها و هم مراکز دولتی تخفیف بیشتری بدهد. پس بی‌انصاف نباشیم و بدانیم هر چیزی حکمتی دارد و اتفاقاً خلاف گفته خانم مارگوت بیکل در هر چیز رازی است.

مثلاً قیمت تمام شده رمان تابستان گند ورنون نوشته دی‌بی‌سی پیر که ناشرش افق است ۷۴۰۰ تومان و قیمت پشت جلدش ۹۰۰۰ تومان است. از آن طرف قیمت تمام شده کتاب «استالین: درباره تزار سرخ» که کتابی دوجلدی است و ناشرش ثالث است ۲۲ هزار تومان و قیمت پشت جلد آن ۳۲ هزار تومان است.

کتاب‌های تازه

نشر ثالث جشنواره تابستانی برگزار کرده و تا ۳۱ مرداد کتاب‌هایش را با ده، بیست و سی درصد می‌فروشد. کتابفروشی نشر ثالث در خیابان کریم‌خان نزدیک خیابان ایرانشهر است.

«امریکا» رمانی از فرانتس کافکا با ترجمه جدید چاپ شده. علی عبداللهی آن را ترجمه کرده و ناشرش نشر مرکز است. قبلاً این کتاب را بهرام مقدادی ترجمه کرده بود و ناشرش انتشارات هاشمی بود. اما عبداللهی آن را یک راست از آلمانی ترجمه کرده و با ویراست جدید آن مطابقت داده. رمان «امریکا» در کنار قصر و محاکمه یکی از سه رمان تمام نشده فرانتس کافکاست. او به دلایلی که معلوم نیست در آستانه پایان کتاب آن را رها کرد. رمان درباره کارل نوجوان ساده‌دل اروپایی است که در جست‌وجوی خوشبختی از همه چیز دل می‌کند تا در امریکا برای خود سعادتی دست و پا کند. کافکا خودش هیچ وقت امریکا نرفته بود. قیمت کتاب ۷۹۰۰ تومان است.

یک کتاب دیگر هم چاپ شده که البته ربط مستقیمی به ادبیات ندارد ولی بخرید و بخوانیدش. «تاریخ ایران مدرن» نوشته یرواند آبراهامیان ترجمه ابراهیم فتاحی که نشر نی آن را منتشر کرده. کتاب علاوه بر بررسی جامع سده بیستم موضوعاتی مثل اکتشاف نفت، دخالت‌های خارجی، نقش دودمان پهلوی و همچنین انقلاب ۵۷ و زایش جمهوری اسلامی را مورد واکاوی قرار داده است. آبراهامیان که درباره تاریخ ایران تحقیق می‌کند استاد ممتاز تاریخ در کالج باروک دانشگاه شهر نیویورک است.

آدم سیگاری‌های دور از خوشبختی

این خارجی‌ها چقدر ساده با همه چیز برخورد می‌کنند. مثلاً آمده‌اند از پل استر درباره سیگار کشیدنش پرسیده‌اند. اگر ما بودیم و اینجا به نویسنده‌ای زنگ می‌زدیم و همین سوال‌هایی که طرف از پل استر پرسیده را می‌پرسیدیم فکر می‌کنید آقا یا خانم نویسنده چطور جوابمان را می‌داد؟ پارسال قبل از انتخابات که نامزدها برنامه‌های خود را می‌دادند و یکی از برنامه‌های نامزدی حذف نظارت قبل از چاپ کتاب و موکول کردن آن به بعد از چاپ بود زنگ زدم به چند نویسنده که نظرشان را بپرسم. چند نفر جواب دادند و چند نفر هم گفتند اصلاً این سوال‌ها به آنها چه مربوط است. حالا اگر درباره سیگار کشیدن ازشان می‌پرسیدم که واویلا بود. البته گفتن ندارد که نویسنده‌ها به آدمی که قرار است این سوال‌ها را ازشان بپرسد باید اعتماد کنند. باید بدانی چه می‌پرسی و چه‌جوری می‌پرسی. خیلی همه چیز پیچیده است. به این آسانی که ما فکر می‌کنیم نیست. آقای استر خودش یک فیلم ساخته درباره سیگار که اسمش اسموک است. در فیلم داستان مردی روایت می‌شود که در یک شهر محاصره شده نشسته و فقط توتون می‌کشد، اما کاغذ سیگار ندارد تا با آن سیگار بپیچد. تنها کاغذ دست‌نوشته‌ای را دارد که ۱۰ سال روی آن کار کرده بود. استر می‌گوید داستان واقعی است. منتقد ادبی روس میخاییل باختین موقع محاصره لنینگراد کتابش را می‌کشید. استر هم اگر بود، همین کار را می‌کرد.

خبرنگار Zeitonline از او پرسیده آیا سیگار رمانتیک است؟ استر جواب داده: «دست‌کم هالیوود مدت‌ها این طور خیال می‌کرد. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ زیباها و خوب‌ها توی فیلم سیگار می‌کشیدند، امروزه این غمگین‌ها و بدها هستند که سیگار می‌کشند. دیگر روی پرده سینما هیچ آدم خوشبختی سیگار نمی‌کشد.» عوض هنوز سیگار در ادبیات جای همیشگی خودش را دارد. هنوز می‌شود سلینجر خواند و هوس سیگار کرد. آلفرد کیزین منتقد مجله نیویورکر درباره او نوشته: «روزی خواهد آمد که پایان‌نامه‌هایی آنچنانی در باب کاربرد زیرسیگاری در داستان‌های جی‌دی سلینجر نوشته شود؛ تا به حال هیچ نویسنده‌ای، یک جماعت شخصیت امریکایی را به روشن کردن این‌همه سیگار، دست دراز کردن به‌طرف زیرسیگاری و نگه داشتن زیرسیگاری با یک دست و گرفتن گوشی تلفن با دست دیگر وانداشته است.»

خبرنگار از پل استر پرسیده هیچ وقت سعی کردید سیگار را ترک کنید؟ «بله. سه روز سیگار نکشیدم و تبدیل به یک هیولا شدم. اما نمی‌خواستم موجودی باشم که یک وقتی می‌زند توی صورت مردم یا داخل ویترین می‌شود. به این ترتیب تصمیم گرفتم بهتر است زندگی کوتاهی داشته باشم تا آدم بدی باشم. و دوباره شروع کردم به سیگار کشیدن.»

اتوود قهوه‌فروش

«مارگارت اتوود» نویسنده کانادایی برای جمع‌آوری مبالغی برای کمک به پرندگان کمیاب، قهوه مخصوص خود را به بازار فرستاد.

به گزارش ایبنا به نقل از فایل، همه ماجرا از آنجا شروع شد که مارگارت اتوود سال پیش با انتشار جدیدترین رمانش با عنوان «سال سیلاب» راهی تورهای معرفی کتابش شد. در یکی از این تورها که فیلمساز تورنتویی «ران من» او را همراهی می‌کرد، به او پیشنهاد داد تا برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای حمایت از پرندگان، وارد یک کار تجاری شود.

این کار تجاری حمایت از نوع جدیدی قهوه مشهور به دوستدار پرندگان است، که تاکنون با حمایت کمپانی بالزاک به بازار می‌آمد. این قهوه که در سایه رشد می‌کند، از غنای بیشتری برخوردار است و علاوه بر آن به خاطر ایجاد فضایی پرسایه، به محل رشد برخی از گونه‌های کمیاب پرندگان در محیط زیست نیز بدل شده است.

قرار است اتوود با همکاری با شرکت بالزاک که انواعی از این قهوه را تولید می‌کند و آن را در کافه‌های خود به فروش می‌رساند، قهوه خود را توزیع کند و بخشی از درآمد حاصل از آن را به بنیادهای حمایت از پرندگان اختصاص دهد.

به این ترتیب از هر کیلو از قهوه اتوود که به قیمت ۱۵/۵ دلار در هر پوند به فروش می‌رسد، یک دلار آن به انجمن حفاظت از پرندگان جزیره «پله» و ۲۵ سنت آن به مرکز حمایت از پرندگان مهاجر تعلق می‌گیرد تا صرف حمایت از تلاش‌های حفاظت از پرندگان شود.

اتوود که رئیس پیشین انجمن قلم کاناداست، چندی پیش در مصاحبه‌ای گفته بود در جهان پرندگان زندگی می‌کند. او در رمان «داستان‌های اوریکس و کریگ» نیز درباره حمایت از محیط زیست سخن گفته است.

این قهوه که با نام اتوود به بازار می‌آید، ترکیبی از قهوه سایه‌دوست بولیویایی و مکزیکی است. این ترکیب را اتوود با مزه کردن ترکیبات مختلف انتخاب و به بازار ارائه کرده و از همین هفته در کافه‌های بالزاک در تورنتو عرضه می‌شود.

اونوره دو بالزاک نویسنده مشهور فرانسوی قرن نوزدهم خود از عاشقان قهوه بود و از او نقل شده که «قدرت زندگی من قهوه است».

اهمیت ارنست بودن

چارلز بیشت بالاخره پیروز شد، اما خوشحالی تنها از آن او نیست. آیا منظره‌ای لذت‌بخش‌تر از مبارزه ۱۲۴ مرد شبیه به همینگوی وجود دارد؟

پس از ۱۱ سال تلاش، بالاخره روز موعود چارلز بیشت اهل فلوریدا فرا رسید. او با لباس شکار و ریش سفید شنبه گذشته ۱۲۳ رقیب امیدوارش را در مسابقه سالانه «شبیه همینگوی» شکست داد. به نظرم این خبر بیش از هر چیز دیگر این هفته مرا خوشحال کرد. حتی از قبل نمی‌دانستم چنین مسابقه‌ای وجود دارد. تماشای عکس‌های پیرمردانی با ریش سفید درخشان کاری است که دلم می‌خواست تمام روز انجام دهم.

اما بهتر از آن، داستان مبارزه طولانی بیشت است که سرانجام امسال به برنده‌شدنش ختم شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ دوستان و خانواده‌اش به او گفتند که شبیه همینگوی است، ولی تا سال ۱۹۹۹ او وارد این رقابت نشد و بعد از آن هر سال در این مسابقه شرکت کرده است. او می‌گوید: «در تمام این سال‌ها، به نظرم هیجان‌انگیزترین قسمت زمانی بود که به مرحله نهایی رسیدم و شنبه‌شب روی صحنه رفتم. هیچ جا مثل رستوران اسلاپی جو در سومین شنبه جولای نیست! در طول این ۱۱ سال، شب‌های مسابقه در خیابان گرین، بیرون اسلاپی جو می‌ایستادم و منتظر اعلام اسم برنده بودم. هر سال با کمی ناامیدی برای خودم و کلی هیجان برای برنده، خانواده و دوستان باوفایم را جمع می‌کردم، که همیشه هم برای تشویق من حاضر بودند. و در آخر هم برای شام یک رستوران خوب در کی وست پیدا می‌کردیم.»

او می‌گوید امسال «کمی متفاوت بود» و در کل احساس آرامش بیشتری داشت. «می‌دانستم اگر قسمت باشد، نوبت من خواهد رسید. همیشه از مسابقه لذت می‌بردم، اما با گذشت زمان لذت رفاقت‌ها برایم بیشتر می‌شد. وقتی برنده اعلام شد، اسم خودم را شنیدم، باورم نمی‌شد. خیلی از رفقایم را دیده بودم که به روی صحنه می‌دویدند و حالا نوبت خودم بود. چه احساسی بود. سرم سوت می‌کشید.» زنده باد چارلز.

جالب آنکه این مسابقه از سال ۱۹۸۱ که لستر، برادر ارنست همینگوی، داور مسابقه بود تاکنون هر سال ادامه داشته است. (من برنده ۱۹۹۵ را دوست دارم؛ کسی که تنها در ۴۶ سالگی برنده شد و با افتخار از جوانی‌اش در این رقابت حرف می‌زند. او فریاد می‌زد: «من همینگوی جوان و شاداب بودم، بقیه پیرمرد بودند.»)

وقتی فهمیدم من نمی‌توانم شانسم را در این مسابقه امتحان کنم، ناراحت شدم. خیلی دلم می‌خواست به صف این پیرمردها بپیوندم، اما فعلاً زنی در بین‌شان وجود ندارد. با این حال همین بس است که بدانم آنها هستند و خودشان را شبیه همینگوی می‌کنند و در عین ناامیدی امیدوارند سال بعد سال شانس آنها باشد. حال من هم دوست دارم برای خودم یک مسابقه ترتیب دهم. به چیزی که بیشترین شانس را در آن دارم فکر می‌کنم. به این فکر می‌کنم که می‌توانم موهایم را پشت سرم جمع کنم، یک پیراهن مشکی بپوشم و با چهره‌ای پرحسرت، شبیه امیلی دیکینسن شوم- اما یک دسته امیلی با چهره محزون کجا و یک گروه همینگوی شاد کجا؟ در هر حال اگر دیکینسن نه، پس چه کسی؟ اصلاً چه کسی شبیه من است؟ شما شبیه چه کسی هستید؟

ترجمه: محمد امین فقیه

گزارش

کتاب‌های الکترونیک چه می‌گویند-۲

بازی با خواننده

ترجمه: آمنه مجذوب صفا

کتاب‌های غیرداستانی قابلیت تبدیل و تولید بالاتری نسبت به داستانی‌ها دارند. این سخت است که ببینیم چه کار دیگری برای رمان سالن گرگ حتی با این برنامه کاربردی شیک می‌شود انجام داد؟ (خواندن این رمان با آیفون ۴۰ هزار ضربه و تکان به صفحه وارد می‌کند.) در این میان کتاب‌های داستان کودکان استثنا هستند. پیش از این توسعه‌دهندگان بازی‌ها و ناشران روی حقیقی‌تر شدن این نوع کتاب‌ها کار کردند. این عمل را از MobileArt Lab's PhoneBook آغاز کردند که در آمازون ژاپن در دسترس است. این وسیله تلفیقی از یک آیفون و یک کتاب معمولی است. سازندگان، یک آیفون را در جلد یک کتاب تصویری قرار داده بودند و هنگامی که شما آن را ورق می‌زدید، به طور شبیه‌سازی‌شده‌ای صفحه‌ای در آیفون ورق می‌خورد که این شبیه‌سازی عملی کنشمند را نشان می‌داد. غیرداستانی‌ها باز هم متفاوت هستند. پی‌نوشت‌ها چه می‌شود؟ گذشته از همه اینها تلاش برای شیوع و رواج دادن یک ساختار باریک از یک کتاب چطور؟ اینکه چگونه کتاب‌های مرجع می‌توانند تغییر کنند، از هم‌اکنون قابل تصور است. اما من به شخصه به این برنامه‌های کاربردی برای غیرداستانی‌ها علاقه دارم. آنها برای تفکیک روایت به شکلی کاملاً افراطی طراحی نشده است ولی اغلب کارها بیشتر یک طرح اصلی را گسترش می‌دهد. برای من کارهای غیرداستانی از این روایات یعنی کارهای داستانی که خواننده را به انتهای رمان می‌راند و همراهی می‌کنند، کاربرد و کارکرد بهتری دارند. برای فهمیدن اینکه بیشتر این فناوری‌های جدید چگونه تولید می‌شوند، من ترجیح می‌دهم به قوانین اولیه و تحلیلی که من به عنوان یک ریاضیدان و نویسنده انجام می‌دهم، بازگردم. شغل من به تعبیر یک اصطلاح بی‌معنی، رساننده و تحویل‌دهنده محتوا است. این عمل را تا حد ممکن در اشکال بسیار مختلف و برای افراد بسیار متفاوت انجام می‌دهم. من براهین را اثبات می‌کنم، در رادیو و تلویزیون برنامه اجرا می‌کنم، در مدارس و دانشگاه‌ها، زندان‌ها و در دولت سخنرانی می‌کنم. من با شرکت‌های سینمایی و آهنگسازان همکاری می‌کنم تا قطعات هنری بسازند که مضامین ریاضی را آشکار می‌کند. من با توسعه‌دهندگان بازی‌ها همکاری می‌کنم تا سایت mangahigh.com را ابداع کنند. این سایت نوعی مدرسه ریاضی اینترنتی است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد در کنار بازی، ریاضی‌شان را تقویت کنند. هیچ‌کدام از اینها تغییر نخواهد کرد. امروزه هرچند فناوری در شیوه و روشی خودش را با کاربرانش درگیر می‌کند، تا حدی پیچیده شده است. من می‌توانم آنچه در تلویزیون یا حین سخنرانی‌ام تجربه کرده‌ام به نوعی در کتاب‌هایی که می‌نویسم بیاورم. کتاب جدید من، رازهای اعداد، می‌توانست پیش از ظهور دوران دیجیتال و به بازار آمدن کتابخوان‌های الکترونیکی با قابلیت اتصال به اینترنت نوشته بشود اما این فناوری‌ها امکانات جدیدی را ارائه کرد. این کتاب همراه با یک برنامه کاربردی بازی، روانه بازار شده است. این باعث شد این کتاب به شکل تجربه‌ای کنشمند ارائه شود. در این اثر من برای اولین بار از فناوری استفاده می‌کنم تا ریاضی را به صورت زنده و پویا دربیاورم در زمانی حقیقی و واقعی، مسائلی که تا به حال تنها به وسیله نوشتن روی کاغذ یا در ذهن یک فرد توضیح داده می‌شد را حل کنم. همان طور که شکل کتاب نشان می‌دهد، این اثر می‌خواهد به شکل انفجاری خودش را از زور و فشار صفحات آزاد کند. ریاضیات ورزش پرتماشاگری نیست. شما از خوانندگان‌تان می‌خواهید دست‌هایشان را کثیف کنند، کشف کنند، بگردند و بازی کنند و به لحظه «آهان» خودشان برسند. [یعنی لحظه‌ای که به جواب می‌رسند.]

این کتاب شامل آزمایش‌های ریاضی است که پویایی جمعیت در حال رشد را کشف می‌کند؛ آزمایش‌هایی که با انجام دادن‌شان بهترین تشویق و تحسین را از آنها کرده‌اید و بازی‌هایی وجود دارند که استراتژی‌های ریاضیاتی خوانندگان به آنها در فهم این برنامه کاربردی کمک می‌کند. این ترجمه هنوز به مقدار زیادی متکی به متن است. این کتابی نیست که بهتر از یک وب‌سایت بتواند کار بکند و البته از بازی‌های ویدئویی هم فاصله دارد. آن یک خط روایی بسیار قوی دارد. داستان پنج تا از بزرگ‌ترین مسائل حل نشده ریاضیات را تعریف می‌کند. راز اول، چالش پیدا کردن الگویی است که در پس اعداد اول مبهم وجود دارد. یک جیرجیرک کنجکاو در امریکای شمالی به این نتیجه می‌رسد که می‌تواند اولین گونه‌ای باشد که اکتشاف این اعداد را آغاز کند. این کتاب آزمایشی را توصیف می‌کند که به خوانندگان در دریافت اینکه چرا اعداد اول می‌توانند کلید تکامل نجاتبخش این حشره عجیب باشند کمک می‌کند. اما غیرقابل پیش‌بینی بودن این اعداد به عنوان راهی برای بالا رفتن و گذر از جهان ریاضیات، یکی از بزرگ‌ترین اسرار ریاضیات است. بازی لی‌لی با اعداد اول به خواننده احساس واقعی رفتارهای غیرعادی را می‌دهد چنان که صفحات کتاب همین عمل را انجام می‌دهند، به گونه‌ای که اصلاً این سوال در باب ماهیت آنها پدیدار می‌شود؛ آیا اینها اول هستند یا نه؟ رموز و اسرار دیگر شامل جست‌وجو درباره شکل گریزان هستی می‌شود؛ کشف شکل حلقوی‌ای که در پس بازی‌های ویدئویی «سیاره‌ها» در دهه ۱۹۷۰ پنهان شده است. آنها بهترین سرآغاز برای گرم کردن ماست تا به سمت شناخت محیط چهاربعدی جهان واقعی هدایت‌مان بکند. توانایی پیش‌بینی کردن پیشرفت‌های قطعی کاربردهای آینده از معادلات ریاضی چیزی است که نه‌تنها ریاضیدانان بلکه دانشمندان علوم محیطی، ستاره‌شناسان و اقتصاددانان نیز علاقه‌مند به توسعه آن هستند.